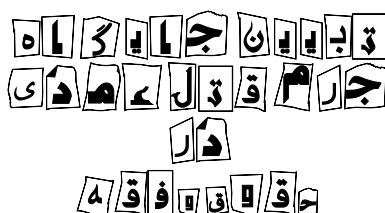




## فهرست عناوین

۲	..... بررسی فقهی قتل عمدی
۲	..... قتل در آیات و روایات و احادیث
۴	..... تعریف قتل عمدی
۶	..... مفهوم عمد و قصد در شرع مقدس اسلام
۸	..... بررسی یک مسأله: قتل ناشی از اشتباه – اشتباه در هویت
۸	..... آیا قتل ناشی از اشتباه در هویت، عمد محسوب می‌شود یا شبه عمد یا خطای محض؟
۱۰	..... منابع و مأخذ



## بررسی فقهی قتل عمدی

قتل از نظر لغوی به معنای سلب حیات است اعم از اینکه سلب حیات از انسان باشد یا حیوان . احترام به جان و بدن انسان اقتضاء می کند که وجود انسان از هر گونه خطر محافظت شود و ضمن توجه به سلامت تن خود نسبت به تن دیگری نیز این حق را رعایت کرده و ستم نکند . دین مقدس اسلام نیز جان و عرض مسلمان را محترم دانسته و تعرض به جان را از گناهان کبیره شمرده است .

\*\*\*

## قتل در آیات و روایات و احادیث

۱ - در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که دلالت بر حرمت قتل نفس دارد در زیر به چند مورد مهم اشاره می کنیم.

❖ و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق و من قتل مظلوما فقد جعلنا لوليه سلطانا فلا يسرف في القتل انه كان منصورا (آیه ۳۳ از سوره مبارکه بنی اسرائیل).

/ نفسی را که خداوند محترم ساخته است به نا حق مکشید ، کسی که به ستم کشته شود برای ولی او سلطه ای خاص قرار داده ایم ، پس اسراف در قتل نخواهد کرد . زیرا او ( ولی دم ) از جانب شریعت الهی یاری شده است. /

❖ و من قتل نفسا بغير نفس او فساد فی الارض فکان ما قتل الناس جميعا / هر کس بکشد تنی نه برابر تنی باتبکاری در زمین مانند آنست که بکشد مردم را همگی. /

❖ من اجل ذلك كتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل نفسا بغير نفس او فساد فی الارض فکان ما قتل الناس جميعا و من احياها الناس جميعا ( آیه ۳۲ از سوره مبارکه مائده ).

/ از جهت قتلی که واقع شد ما بر فرزندان اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس نفس محترمی را به ناحق وبی آنکه مرتکب فساد در روی زمین شده باشد بکشد چنان است که همه را کشته باشد و هر که نفسی را حیات بخشد مثل آنست که تمام مردم را حیات بخشیده است. /

۲- احادیث بسیاری از رسول خدا(ص) نقل شده که دلالت بر حرمت قتل نفس دارد از جمله :

❖ لا تقتل نفس ظلما الاکان علی ابن آدم الاول کفل من دمها لانه اول من سن القتل .

هرکس به ستم کشته شود بهره ای از خون او برعهده فرزند نخست آدم است که او نخستین کسی است ، که قتل را بنیاد گذاشت.

❖ اول ما یقضی بین الناس یوم القیامه الدماء.

/ نخستین چیزی که از مردم در قیامت مورد رسیدگی و داوری قرار می گیرد، خون است./

❖ لا یحل دم امر مسلم شهیدان لاله الا الله . وانی رسول الله . الاباحدی ثلاث : النفس بالنفس والتیب الزانی :

والمارق من الدین التارک الجماعه.

/خون هیچ مرد مسلمانی حلال نیست مگر به سه چیز: قتل نفس ، زنا ی محصنه، خروج از دین ( ارتداد) و ترک جماعت./

❖ لن یزال المومن فی فسخه من دینه . مالم یصب دما حراما.

/همواره مومن از دین خود در گشایش است ، تا وقتی که خونی را نریخته باشد. /

❖ لا ترجعوا بعدی کفار ای صرب بعضکم رقاب بعض.

/شما پس از من ، به کفر برنگردید، و بعضی از شما گردن بعضی دیگر را نزنند./

❖ الزوال الدنیا هون علی الله من قتل مومن بغیر حق.

/نابود شدن دنیا برای من آسانتر و بی اهمیت تر است از اینکه مومنی به ناحق کشته شود./

از تمام آیاتی که در این خصوص نازل شده و احادیث بسیاری که از رسول خدا روایت شده می توان نتیجه

گرفت که احترام به جان و مال انسان همواره مورد توجه اسلام بوده و قوانین اسلام برای حفظ حیات انسان وضع شده است.

\*\*\*

## تعریف قتل عمدی

اکثر فقهاء من جمله مرحوم محقق حلی درمورد قتل موجب قصاص چنین گفته اند:

❖ وهوازهاق النفس المعصومه المكافئه عمداً وعدواناً.

/خارج کردن جان محترم و برابر، از تن، عمداً و به ناحق./

ازهاق نفس یعنی خارج کردن نفس، منظور از معصومه این است که تلف کردن آن جایز نباشد. این کلمه

از عصم به معنای منع و جلوگیری است.

مکافئه یعنی مساوی بودن مقتول و قاتل، در اسلام ف آزادی و غیره. عدوان به معنی حرام و نارواست. شرط

دیگری که در برخی از تعریف هادیده میشود آن است که قاتل بدون اجازه قانونی مبادرت به قتل کند.

شهید ثانی می فرماید: عمد محقق می شود با قصد قتل از سوی شخص بالغ و عاقل با وسیله ای که غالباً

کشنده باشد. اگر قصد کند با وسیله ای که بندرت کشنده باشد و قتل هم روی دهد. شبه قصاص است. یعنی قتل

عمداست.

/امام خمینی (ره) نیز قتل عمد را چنین تعریف کرده است:

❖ وهوازهاق النفس المعصومه عمداً مع الشرائط الاتیه

/و آن بیرون کردن روح معصوم (محترم و محفوظ) از بدن انسان است عمداً با شرایطی که می آید./

عمد محض به قصد کشتن با آنچه که می کشد، ولوبه ندرت و به قصد فعلی که غالباً به آن کشته میشود.

اگرچه قصد قتل را به آن ننماید تحقق پیدا میکند. عمدگاهی به مباشرت است و گاهی به تسبیب. صاحب جواهر بعد

از بیان شرایط قتل مستوجب قصاص می فرماید:

❖ يتحقق العمد بقصد البالغ العاقل الى القتل، ظلماً بما تقتل غالباً بل وبقصد الضرب بما يقتل غالباً عالمابه

وان لم يقصد القتل لان القصد الى الفعل المزبور كالقصد الى الفعل.

/عمد تحقق پیدا میکند با قصد انسان بالغ عاقل به کشتن شخص، از روی ظلم و ستم (بناحق) به وسیله ای که غالباً

کشنده است. و تحقق پیدا میکند با قصد زدن با آنچه که غالباً کشنده است (بدون قصد قتل) از روی آگاهی. اگرچه

قصد قتل نداشته باشد، زیرا قصد فعل (با وسیله ای که غالباً کشنده است) مانند قصد قتل

(قصد کشتن) است./

و اضافه می نماید:

❖ بل یکفی قصد ما هو سببیه معلومه عاده وان ادعی الفاعل الجهل به، اذ لو سمعت دعواه بطلت اکثر ادعاء.

در تحقق عمد همین اندازه کفایت میکند که سببیت فعل برای قتل نوعاً معلوم باشد. هر چند قاعل ادعای جهل به آن رداشته باشد. زیرا اگر ادعای وی پذیرفته شود، بیشتر خون ها هدر می شوند.

از دیدگاه سید محمد حسن مرعشی شوشتری قتل عمد عبارت است از:

❖ قتل العمد هو ان يقصد الفاعل القتل و ایتاعه علی الوجه المقصود، سواء كان ذلك القصد اصالياً او تبعياً متعلق بالکلی اوجزئی ، بالمباشرة او بالتسبیب او بها.

قتل عمد آن است که فاعل قصد قتل داشته باشد و قتل را به همان نحوی که قصد کرده است واقع سازد، خواه آن قصداً اصلی باشد و یا تبعی و به شیء کلی ( غیر معین ) و یا به جزئی ( شخص معین ) تعلق گرفته باشد و یا مباشرت باشد. یا به تسبیب و یا هردو.

بنا بر این تعریف؛ قتل در موارد زیر عمد است:

- ۱- هنگامی که مرتکب قصد کند شخصی را بکشد و همان شخص کشته شود.
- ۲- وقتی فاعل قصد کند شخص را بکشد، به خیال آنکه این شخص الف است اما پس از قتل معلوم گردد که آن شخص بوده است ( اشتباه در شخصیت).
- ۳- وقتی مرتکب قصد کند انسانی را بکشد، بدون آنکه غرضش به شخص معینی تعلق گرفته باشد و با عمل وی یک انسان کشته شود.
- ۴- هنگامی که فاعل قصد کند جنایتی را مرتکب شود، هر چند آن جنایت قتل انسان باشد.
- ۵- هنگامی که فاعل قصد کشتن کسی را ندارد، اما عملی انجام می دهد که عادتاً با قتل ملازمه دارد و این عمل نسبت به مقتول ممکن است بصورت فعل باشد یا ترک فعل ( قصد تبعی).

لذا در قتل عمد قصد قتل معتبر است، خواه قصد به شخص معین باشد و یا به کشتن انسانی بطور کلی و یا به قصد جنایتی. در قصد کلی قصد افراد قهراً وجود دارد و بنابراین، اگر کسی بخواهد انسانی را بکشد، در صورت تحقق قتل، قتل عمدی خواهد بود. زیرا به قصد قتل انسان منفک از قصد قتل افراد آن نیست. هرگاه کسی قصد جنایتی بر کسی داشته باشد و بقصد وقوع جنایت تیراندازی کند و برای وی فرقی نداشته باشد که زید کشته شود یا عمرو یا انسان دیگری و یا حتی حیوانی کشته شود، همه فقهاء متفق القولند که در صورت ارتکاب قتل، آن قتل عمدی است.

شیخ طوسی می فرماید:

❖ عمد محض آن است که کسی دیگری را به وسیله هر چیزی که باشد بکشد، در صورتی که قصد قتل بدان نموده باشد و یا فعل وی چنان باشد که نسبت به مقتول عادتاً منجر به مرگ گردد.

محقق نیز می فرماید:

❖ ضابط العمدان یکون عامداً فی فعله وقصده.

معیار در قتل عمد آن است که فاعل ، عمد در فعل و عمد در قصد شخص معین به قتل داشته باشد.

مقصود از عمد در فعل این است که فعل انجام یافته با آگاهی و از روی اراده و اختیار به انجام رسیده باشد و مقصود از عمد در قصد این است که باید مقصود قاتل از عملی که انجام میدهد کشتن طرف باشد.

شهید ثانی نیز ملاک عمد را قصد فعل و قصد نتیجه علیه شخص معین دانسته است. شهید ثانی نیز می فرماید: قتل در صورتی عمدی خواهد بود که شخص بالغ قصد کند که به وسیله ای که غالباً کشنده است کسی را بکشد. در صورتی که با وسیله ای که بطور نا در کشنده است ، قصد قتل نداشته باشد، قصاص نخواهد بود، اگر چه اتفاقاً موجب مرگ شود، مانند آنکه با چوب نازک با عصای نازک ضربه ای بزند. اما اگر ضربات را بطور مکرر بر کسی وارد کند که بدن او بخاطر کمی سن و سال و یا بیماری یا زمان او تحمل آن را ندارد و منجر به مرگ او شود قتل اوقتل عمد بشمار میرود. همچنین قتل او عمدی محسوب می شود و اگر او را کمتر از مقداری که تحمل آن را ندارد بزند و به دنبال آن ضربات، مضروب بیمار شود و بمیرد.

\*\*\*

### مفهوم عمد و قصد در شرع مقدس اسلام

در قرآن مجید در سه آیه شریفه از سه سوره مبارکه کلمه تعمد بکار رفته که ثلاثی مزید از باب تفعّل است .

❖ لیس علیکم جناح فیما اخطاتم به ولکن ماتعمدت قلوبکم . ( آیه ۵ از سوره مبارکه احزاب )

/ نیست بر شما گناهی در آنچه خطا کردید و در آن ولیکن آنچه تعمد کند دلها تان . /

❖ ومن یقتل مومنأ متعمدا فجزائه جهنم خالد فیها، ولعنه ، واعدله عذاباً عظیماً. ( آیه ۹۵ از سوره مبارکه نساء )

/ هر کس از عمد مومنی را بکشد، کیفر او دوزخ است همیشگی ، و خدا او را لعنت کرده برای او کیفری بزرگ آماده کرده است. /

❖ ومن قتله ، متعمداً.

/ و هر کس کشته است او را از روی عمد. /

درهرسه آیه شریفه کلمه تعمدبکاررفته است . تعمدکه ثلاثی مزیدازباب تفعل است، متضمن عمدوقصداست.

بنابراین مقصودازعمددرفقه اسلامی ، عمددرفعل وعمددرقصداست . عمددارای دوجزء روانی است یکی قصد انجام فعل ودیگری قصدنیت. وضابط العمدان یکون عامدافی فعله وقصده.

مقصود از عمد درفعل این است که فعل انجام یافته باآگاهی و ازروی اراده و اختیار به انجام رسیده باشد. ومقصودازعمددرقصداین است که بایدمقصودقاتل ازعملی که انجام می دهد، کشتن طرف باشد.

مفهوم قصدنیزاین است که انسان برای انجام هرفعلی درذهن خودبه تجزیه وتحلیل آن فعل می پردازدوبعضی خوب وبدوضروریان ناشی از انجام فعل یا ترک آن رami سنجد و پس ازآن نتیجه گیری می کند و میل به انجام فعل یا ترک آن حاصل میشود. پس ازآن تصمیم به ارتکاب فعل یا ترک آن می گیرد. پس ازتصمیم مرحله دیگری آغازمیشود، وآن قصدارتکاب است .

انگیزه که علت روانی فعل عمدی است ناشی ازفعل وانفعالات روانی شخص است ومرحله قبل ازتصمیم است یعنی شخص ابتدابه تجزیه وتحلیل اموری پردازدوسپس دست به انتخاب میزندومیل به انجام فعل یا ترک فعل پیدا میکند. پس ازمیل ، تصمیم می گیردومصمم وآماده می شودبرای اینکه فعل راانجام بدهدیا ترک نماید. پس ازتصمیم گیری قصدمیکندکه این قصدبصورت حرکات وافعال واعمال مادی درخارج تحقق می یابد. قصددرحقیقت اوصاف افعال واعمال خارجی است که به طورمجازه امیال وخواست های باطنی شخص نسبت داده می شود.

قتل از جرائم حق الناس است. جرم قتل عمدی از جرایم حق الناس است زیرا از نظر اسلام بر اثر قتل عمدی ، حق قصاص برای اولیاء دم مقتول بوجود می آید. که اختصاص به آنها داردومی توانند از حاکم شرع بخواهند که قاتل مورث آنها قصاص شود. همچنین این اختیار را دارند که قاتل را عفو یا قصاص را تبدیل به دیه کنند. گفته شده است که در حق قصاص، حقی نیز برای خداوند وجود دارد که در آن پاک نمودن جامعه از جرم قتل است . لذا قصاص حق الناس غالب است چون متضمن دو حق است . هم در آن حق الله است وهم حق الناس ولیکن حق الناس بر دیگری غلبه دارد. زیرا قصاص بر مماثلت بنا شده است .

### / وکتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس /

بدین ترتیب که دست راست جانی در مقابل دست راست مجنی علیه قطع میشود. واگر جانی دست راست نداشته باشد دست چپ اوقطع میشود واگردست چپ نداشته باشد، پایش قطع می شود و اگر پا نداشته باشد باید دیه بدهد.

## بررسی یک مسأله

## قتل ناشی از اشتباه – اشتباه در هویت



در مورد جرم قتل علاوه بر بحث اشتباه در شخص، قتل ناشی از اشتباه در هویت مجنی علیه نیز از اهمیت خاصی برخوردار است که حقوقدانان کیفری اصطلاحاتی چون قتل ناشی از خطای در شخصیت قتل ناشی از اشتباه در مصداق، قتل ناشی از خطای در مصداق قتل ناشی از اشتباه در شخصیت مجنی علیه و قتل ناشی از اشتباه قاتل در تشخیص شخص مقتول را در مورد آن به کار برده‌اند. مرحوم دکتر عبدالقادر عوده در مورد این نوع قتل در کتاب التشریع الجنایی الاسلامی می‌نویسد: «منظور از خطای در شخصیت

این است که مجرم، قتل شخصی را به گمان اینکه زید است قصد کند و بعد از قتل معلوم می‌شود که او عمرو بوده است. خطای در شخصیت عبارت است از خطا در گمان و قصد فاعل، چون کسی که به طرف شخص معینی به گمان اینکه زید است تیراندازی می‌کند و سپس معلوم می‌گردد که آن شخص عمرو بوده است، در قصد خود خطا کرده و خطای واقع شده از آن چیزی ناشی شده است که آن را صحیح می‌پنداشته و قصد نموده است.»

با این تفسیر مشخص می‌شود که قتل ناشی از اشتباه در هویت، ناشی از اشتباه مرتکب در عنصر معنوی (عنصر روانی) جرم می‌باشد. به این ترتیب باید گفت که قتل ناشی از اشتباه مرتکب در تشخیص شخص مقتول (اشتباه در هویت) ناظر به مواردی است که متهم به قتل، ادعا می‌کند که قصد کشتن شخص الف را داشته و به طرف او تیراندازی کرده است، اما تحت تأثیر شرایط و اوضاع و احوال خاصی، شخص دیگری که به گمان مرتکب شخص الف است هدف قرار گرفته و کشته شده است و بعداً معلوم می‌شود که مقتول شخص الف نبوده است.

## آیا قتل ناشی از اشتباه در هویت، عمد محسوب می‌شود یا شبه عمد یا خطای محض؟

گاه جانی با تفکر مجرمانه به قصد جنایت بر انسانی محترم، شخص بی‌گناه دیگری را اشتباهاً و به تصور آنکه فرد مورد نظر اوست، هدف قرار داده و مرتکب جنایت بر وی می‌شود. در این صورت در باره حدود و ماهیت ضمان جانی اختلاف شده است.

بنابراین باید گفت که در مورد قتل ناشی از اشتباه در هویت، دو گونه نظر وجود دارد، به این ترتیب که عده‌ای از حقوق دانان این نوع قتل را عمدی دانسته و عده‌ای دیگر نیز معتقدند که این نوع قتل عمدی نیست؛ ذیلاً نظر این دو گروه مورد بررسی قرار می‌گیرد.



گروهی بر این باورند که تعیین هویت و اوصاف شخصیتی مجنی علیه از اجزاء رکن روانی جنایات عمدی نبوده و کافی است که جانی هدف خود را بالاشاره تعیین نماید. قائلین به این را پتی، اشتباه قاتل در شناسایی شخصیت مقتول را مانع ثبوت عمد و اجرای قصاص ندانسته و نظر خود را چنین تقویت کرده‌اند که گمان و تصور قاتل صدق عرفی قتل عمد را رفع نمی‌کند؛ زیرا اعتبار خصوصیت در ضمن قصد، هیچ مدخلیتی در تحقق عمد ندارد، مانند اینکه قاتل می‌داند که مقتول فرزند زید است، اما گمان می‌کند زید تاجر است، در حالیکه زید دانشمند می‌باشد.

طرفداران نظریه عمدی بودن قتل ناشی از اشتباه در هویت معتقدند که هیچ یک از فقها قصد خصوصیت را در تحقق قتل عمد دخالت نداده‌اند. زیرا اگر کسی قصد قتل انسانی را داشته باشد و قصد وی به شخص معینی تعلق نگیرد و عمل مرتکب نیز به قتل منتج شود، قتل مذکور از دیدگاه فقها عمد می‌باشد.

به این ترتیب باید گفت که قصد اوصاف شخصیتی مجنی علیه در تحقق عمد معتبر نبوده و در تمامی مواردی که قصد قتل انسانی عملاً وجود داشته باشد، هر چند که آن قصد به شخص معینی تعلق گیرد و شخص دیگری که مقصود و مورد هدف نبوده کشته شده باشد قتل، عمدی محسوب خواهد شد. زیرا به هر حال نفس محترمه‌ای بی جهت و بی گناه کشته شده است. این نوع قتل مانند آن است که کسی بخواهد شراب انگور بخورد و در اثر اشتباه در مصداق، دستش به سوی شراب خرما دراز شود و شیشه را سربکشد؛ این خطای در مصداق حد شرعی را ساقط نمی‌گرداند. بنابراین خطا و اشتباه مصداقی در قتل و غیر آن، عمدی محسوب می‌شود. برخی از ائمه اهل سنت نیز اشتباه در شخصیت را مانع تحقق عمد نشمرده‌اند، چنان که مالک بن انس (متوفی ۱۷۹هـ.ق) که امام مذهب مالکی است و همچنین گروهی از حنابله این رأی را پذیرفته‌اند.

همچنین باید توجه داشت که به موجب آرای قدیم دیوان عالی کشور نیز، قتل ناشی از اشتباه در هویت مجنی علیه، قتل عمد محسوب می‌شد. زیرا چنان که در حکم دیوان عالی کشور آمده بود: حکم شماره ۱۳۱۶/۵/۱۷-۸۴۸/۱۰۹۰؛ در صدق عنوان جنایت، قصد خصوص شخص که مورد اصابت واقع گردیده شرط نیست. به عبارت دیگر فعل مرتکب قتل ناشی از اشتباه در هویت، دارای تمام عناصر جرم قتل می‌باشد و چون در ارتکاب قتل، کافی است که انسان به طور کلی مقصود فاعل باشد، پس اشتباه در مصداق، وصف عمل مجرمانه را تغییر نمی‌دهد.

به این ترتیب مشاهده می‌شود که اشتباه در هویت مجنی علیه به موجب آرای قدیم دیوان عالی کشور در تقصیر جزایی بی تأثیر بود. بنابراین کسی که قصد داشت شخص الف را بکشد و تیری به او می‌انداخت و او را به قتل می‌رساند، ولی پس از قتل معلوم می‌شد که مقتول شخص الف نبوده و قاتل به اشتباه شخص را به جای الف به هلاکت رسانیده است، مرتکب قتل عمدی شده بود. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه شماره ۷/۴۶۵۹-۱۳۷۰/۱۰/۱۷ چنین اظهار نظر کرده است: «قتل ناشی از خطای در تشخیص، آن را از عمد خارج نمی‌کند، مثلاً اگر کسی به قصد کشتن انسانی (به تصور اینکه زید است) به سوی او تیراندازی کند و او را به قتل برساند و بعد معلوم شود که فرد مورد نظر نیست (ومثلاً عمرو است) این قتل از مصادیق قتل عمد می‌باشد».

تبیین جایگاه جرم قتل عمدی  
در حقوق فقه

---

منابع و مآخذ

- 1- <http://www.lawnet.ir/>
- 2- <http://www.dibaketab.com/post/category/maghale/magh-hoghoghi>